

کارنامه نهج‌الهدی گنجینه‌های مطبوعاتی و چشم انداز سالیانه

در نخستین سمینار بررسی مسائل مطبوعات دو ایران که در تاریخ ۶ و ۷ اسفند ماه ۱۳۶۹ برگزار شد، امین زاده معاون امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آمار و ارقام زیر را در خصوص تغییرات کمی مطبوعات در ایران در فاصله سال‌های ۶۷ تا ۶۹ ارائه داد: «در طی سال ۱۳۶۷ در مجموع حداقل ۱۸۳ نشریه در کشور انتشار می‌یافته است... در طی سال ۱۳۶۸ تعداد نشریات در حدود ۲٪ رشد داشته و سه نشریه جدید و قانونی آغاز به انتشار نموده‌اند... در فاصله سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۶۹، با آغاز انتشار ۹۲ نشریه جدید، شاهد رشدی معادل ۲۹٪ در مطبوعات کشور هستیم^۱. افزایش مجوزهای صادر شده و به تبع آن نشریات جدیدی که به بازار مطبوعات عرضه شدند از این سال به بعد همچنان ادامه یافت. تا اوایل سال ۱۳۷۱ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ۵۱۸ نشریه پرونده انتشار صادر کرد و این رقم در دی ماه سال ۱۳۷۲ به ۶۰۰ رسید^۲. با توجه به این ارقام می‌توان گفت که رشد کمی مطبوعات از آغاز سال ۱۳۶۸ تا به امروز بیش از ۳۰۰ درصد بوده است. مقاله حاضر سنجش کارکرد اجتماعی مطبوعات در این دوران و ارزیابی چشم اندازهای آتی آن است.

گفتار نظری مسئولان و ارزیابی آنان از زمینه اجتماعی

در چهاردهم آبان سال ۱۳۶۸، مدیران مسئول مطبوعات کشور برای تعیین نماینده خود در هیئت نظارت بر مطبوعات گرد آمدند. آقای خاتمی وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی سخنانی که در این

مجمع ایراد کرد، بیش مسئولان امر را در باره مطبوعات و انتشارات بازگو نمود؛ «مطبوعات و نشریات آزادند مگر اینکه مصلحت مبانی اسلام و حقوق عمومی باشند. . . اصل آزادی است و آزادی یکی از ارزشمندترین سرمایه‌های بشری محسوب می‌شود. در متن آزادی است که فکر شکوفا می‌شود و جامعه و فرد کمال پیدا می‌کند. این امر تکمیلی است، یعنی رشد فرد جز در سایه آزادی میسر نیست. اسلام به این اصل تکمیلی احترام می‌گذارد و آن را مبنای عمل اجتماعی قرار می‌دهد. آزادی اصل است و باید بماند و باید به آن حرمت گذاشت و بویژه آنجا که مربوط به طایفه صاحب فکر و فرهنگ جامعه می‌شود. این مبنای انتشارات و نشریات و مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی است، اما هیچ جامعه‌ای و هیچ نظامی تعرضی به مبانی خود را نمی‌پذیرد و این استثناً ناپذیر است. همه جوامع تا آن جا تحمل می‌کنند که پایه‌های آن به خطر نیفتند. این امر هم در مورد نظام‌های استبدادی و هم در نظام‌های مردمی صادق است»^۳. اما، گفتار نظری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، بر پایه یک ارزیابی جدید از ضرورت‌های اجتماعی و سیاسی مطرح شد که به شکل‌گیری معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و آغاز فعالیت‌های آن از نیمه دوم سال ۱۳۶۸ منجر شد. به گفته این معاونت «تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور، در درجه اول و تحولات جهانی در عرصه مطبوعات در درجه دوم»^۴ سبب شکل‌گیری و مبین محورهای فعالیت آن بوده‌اند. ارزیابی این معاونت از شرایط عمومی مطبوعات در فاصله بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ به این صورت بازگو شده است: «در این سال‌ها که پس از یک مرحله هرج و مرج مطبوعاتی طی سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ قرار دارد، مطبوعات با چهار مسئله اصلی روبرو هستند:

کاملاً انتظار می‌رفت که جامعه در مقابل فضای جدید مطبوعاتی از خود عکس العمل مثبت و تحرکی نشان دهد.

- ۱- اغتشاش در سازمان ملی ارتباطات؛ در طی سال‌های مذکور ارتباط منطقی و سازمان‌یافته‌ای بین اجزاء مختلف نظام ارتباطی کشور وجود نداشته است. تداخل نقش و کارکرد رادیو و تلویزیون، تغییر نقش روزنامه‌های توده‌ای و فراگیر، توسعه اشکال سنتی ارتباطات، جایگاه و نقش مطبوعات را بطور کلی دچار ابهام ساخته بود.
- ۲- انحلال نقش مطبوعات در درون سازمان تبلیغی؛ بطور طبیعی پیروزی انقلاب و ضرورت ترویج اهداف و مبانی انقلاب، وجود فعالیت تبلیغاتی وسیعی را ضروری می‌ساخت. این ضرورت‌ها حتی پس از سپری شدن دوران گروه‌گرایی سیاسی در سال‌های نخست پیروزی انقلاب نیز وجود داشته و دارند. این شرایط هم بر فعالیت مطبوعات موجود کشور سایه افکند و هم موجبات پیدایی مطبوعات جدیدی را که کاملاً بر اساس اهداف تبلیغی استوار بودند، فراهم ساخت. این اقتضائات سایر نقش‌های مطبوعات را در محاق فراموشی افکند و علاوه بر آن نوعی دوگانگی در درون مطبوعات را به شکل سازمان‌یافته‌ای تثبیت نمود.

۳- درگیری های فزاینده انقلاب با نیروهای ضد انقلاب و جنگ تحمیلی ضرورتاً رجحان اهداف ملی و تمرکز مشارکت اقشار و گروه های اجتماعی و سیاسی را موجب گردید، در چنین شرایطی طرح اهداف متفرق و رقابت آمیز به عنوان بستر مشارکت عمومی امکان بروز نمی یافت. باید توجه داشت که مطبوعات به عنوان اهرم های مشارکت اجتماعی گروه های متنوع، به صورت تابعی از این شرایط دچار قبض و بسط می گردند.

۴- مجموعه شرایط فوق و به ویژه تنگناهای اقتصادی، مشکلات حرفه ای و تکنیکی مطبوعات را دامن می زد. مهمترین این مشکلات، فقدان آموزش منظم و سازمان یافته نیروی انسانی به شمار می رفت. به ویژه آنکه پس از انقلاب عمدتاً مسئله آموزش در عرصه های فعالیت مطبوعاتی به فراموشی سپرده شده بود، در این میان قانون مطبوعات نیز به عنوان سازمان دهنده اصلی فعالیت های حرفه ای مطبوعات دچار بی توجهی شده بود.^۵

برپایه یک چنین ارزیابی بود که معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت ارشاد با توجه به محدودیت امکانات، پنج محور اصلی را برای خروج از وضعیت توصیف شده، دنبال نمود. این پنج محور عبارتند از: ۱- ایجاد تنوع در مطبوعات. ۲- ایجاد امکانات مشارکت نیروهای مختلف اجتماعی و مطبوعاتی و تشویق و تحریرص نیروهای جوان دارای انگیزه های فرهنگی و قابلیت های فعالیت مطبوعاتی در چارچوب اهداف انقلاب اسلامی. ۳- ایجاد امکانات انسجام حرفه ای و صنفی مطبوعات. ۴- ارتقاء سطح کیفی نیروی انسانی مطبوعات. ۵- ارتقاء کیفی محتوای مطبوعات و کاربست تکنیک های نوین و پیچیده تر تبلیغ و ترویج اصول و مبانی انقلاب اسلامی و وحدت ملی به موازات آن.^۶

نتیجه عملی این سیاست مطبوعاتی جدید تساهل در صدور مجوز و نیز اعطای تسهیلاتی همچون کاغذ به نرخ دولتی به تعداد قابل ملاحظه ای نشریه و نیز فیلم و زینک به مقیاس محدودتری بود. در کنار این تسهیلات، آنچه با برگزینی اولین سمینار بررسی مسائل مطبوعاتی به وضوح دیده شد، فضای جدیدی بود که چارچوب و حدود آن را می شد هم از لحن سخنرانی مسئولین و هم از امکان طرح مسائلی که تا پیش از این قابل طرح نبودند، دریافت. هم در سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و هم در سخنرانی معاونت تبلیغاتی و مطبوعاتی ما بیشتر با طرح مسائل روبرو هستیم تا پاسخی که رهنمود دولتی تلقی شود: «... هدف تربیت کردن نسلی است که در مجموع شرایط امروز ملت و انقلاب را درک کند، نه نسل به به و چه چه گو به برنامه های دولت. و تازه علامت و شرط اول آزادی این نسل هم این است که آنها بتوانند برنامه ها و سیاست های دولت را نقد کنند». در هر دوی این سخنرانی ها برای اولین بار مسائل و مشکلات حکومتی و دولتی فقط از دیدگاه دوست و دشمن، انقلاب و ضد انقلاب و... مطرح نشد، بلکه مشکلات فرهنگی، پیشینه استبدادی نظام های گذشته و امکانات محدود فرهنگی که کل افراد جامعه را اعم از دولتی و غیر دولتی تحت تأثیر سوء خویش قرار می دهد، پیش کشیده شدند: «آنچه که در این جا مهم است، دیدگاه، پایگاه عمل و سیاست زمامداران

جامعه است که باید خوب متوجه باشند که ممکن است رسوبات غریب‌دگی و دیکتاتورزدگی در عقل و جان خود ما وجود داشته باشد»^۷. علاوه بر این، وجود فقط دو سخنران دولتی درسمیناری که در آن در حدود ۳۰ مقاله ارائه شد، خود مؤید این امر بود که نیاز جامعه به فضای آزاد برای بحث و تبادل نظر از جانب مسئولین نیز بخوبی احساس شده است. در یک چنین جو فکری است که ما شاهد رشدی هستیم که نمودارهای کمی آن در آغاز این نوشته ارائه شد و در ادامه به ارزیابی عملکرد اجتماعی و سیاسی آن خواهیم پرداخت.



عکس العمل جامعه و دولت

کاملاً انتظار می‌رفت که جامعه در مقابل فضای جدید مطبوعاتی از خود عکس العمل مثبتی نشان دهد و صاحبان نظر و قلم در صدد ابراز عقاید خویش از طریق مطبوعات برآیند. به عبارت دیگر جامعه مدنی که سالها در انتظار یک چنین فضایی بود عکس العملی متناسب با انتظار عمومی از خود نشان داد. آنچه در این زمینه کمتر انتظار آن می‌رفت، تحرکی بود که گشایش فضای مطبوعاتی در دستگاه دولت و ارگانهای وابسته به آن و نیز افرادی از قوه مجریه و مقننه بوجود آورد. باید گفت که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار دو فصلنامه، بدعت گذار این کار شد. فصلنامه رسانه به صاحب امتیازی معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی از همان بهار سال ۶۸ فعالیت خود را آغاز نمود و شش ماه بعد امور بین‌المللی این وزارتخانه نیز فصلنامه نامه فرهنگ را منتشر کرد. حتی بخشی از دست اندرکاران وقت نیز که

با سیاست اتخاذ شده از جانب دولت موافق نبودند از طریق مطبوعاتی که به یمن همین سیاست مجوز انتشار آنها صادر شده بود، به نقد این سیاست پرداختند. از جمله صریح‌ترین منتقدین سیاست گشایش فضای مطبوعاتی می‌توان از ماهنامه بیان نام برد.

آنچه در این زمینه کمتر انتظار آن می‌رفت، تحرکی بود که گشایش فضای مطبوعاتی در دستگاه دولت و ارگانهای وابسته به آن بوجود آورد.

بیان، ماهنامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی به صاحب امتیازی و مدیریت سیدعلی اکبر محتشمی، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی اولین شماره خود را در خرداد ماه ۱۳۶۹ منتشر کرد. بیان در مقاله‌ای به نام «لابالیکری فرهنگی» می‌نویسد: «دیرزمانی است که می‌شنویم و همانگونه که دست اندرکاران مطبوعات در پاسخنامه‌ای اظهار داشته‌اند با این توجیه که غنای فرهنگ و تفکر اسلامی می‌تواند پاسخگو و هم‌اورد اندیشه‌ها و فرهنگ ضد انقلاب باشد، گفتگوهایی فرهنگی را به روی هر گونه خیالبافی و سوداگری و هم‌اندیشی گشوده‌اند... این سیاست فرهنگی نیز بیش از هر چیز آثار آلودگی‌ها و بی‌شرمی افکار و فرهنگ غرب‌سرایان را در این سرزمین برجای می‌گذارد و اگر عوامل و عناصر این آلودگی و پلییدی هم از بین بروند، اما تبعات آن باقی خواهد ماند. وقتی قبح و زشتی حضور افکار بیچار در جامعه از بین رفت و پرده‌های شرم توسط نوشته‌ها و قلم‌زنیهای بی‌هنرانه هنرمند نما

دریده شد، مجالی برای برخورد بی‌الم‌اندیشه‌ها وجود نخواهد داشت، فرهنگ پوچی و هرزه‌گری از دلهای عقل و شعور وارد خانه فرهنگ و ادب این دیار نمی‌شود که نگهبانان تفکر و اعتقادات اسلامی با آن برخورد منطقی و عقلی داشته باشند، بلکه این فرهنگ از پنجره‌های احساس و در نقاب «هنر» رخنه می‌کنند و آثار و تبعات فاسد خود را می‌پراکنند. وظیفه دست اندرکاران کتاب و مطبوعات هم همین است که اجازه ندهند مفاسد، به اسم اندیشه و هرزه‌اندیشی‌ها به اسم هنر وارد شوند. غنای فرهنگی و تفکر اسلامی برای آنانی مفید و مؤثر است که خانه ذهن و روحشان در همبستری با فرهنگ‌های پر زرق و برق اما بی‌محتوا و پوچ و نیست‌انگاران، آلوده نباشد و عقلی پاک و زلال و ذهنی صاف و شفاف

داشته باشند.^۸ بیان به وضوح از حاملین این اندیشه‌ها نیز نام می‌برد: «به واقع در این مملکت با سلاح هنر و اندیشه (اگر بتوان آن را اندیشه نامید) فکر و ذهن جوانان این دیار را به زیر آتشیهای تبلیغاتی خود نگرفته‌اند؟ آیا آنچه امروز در مطبوعات نظیر آدینه و دنیای سخن و... مطرح می‌شود اندیشه و فرهنگ است؟ یا همدستی برنامه‌ریزی شده و نهان کاری سابقه دار برای خلع سلاح کردن بقية السیف انقلاب؟ در جایی که تفکر و فرهنگ انقلابی حقیقی اسلامی به سختی و با ترس و لرز سخن می‌گوید، داد آزادی اندیشه زدن و بدین بهانه راه را برای عناصر بیگانه باز کردن، یا «سیاست» است یا جهالت ستمکارانه!»^۹.

بیان برنامه بازگشایی فضای مطبوعاتی را جهالت ندانسته، سیاستی می‌داند در پیوند با مبارزه‌ای اجتماعی که در جامعه در جریان است؛ «امروز حتی مشاهده می‌شود برخی دست اندرکاران سیاست‌های فرهنگی و نشریات «خودی» و عناصر ساده اندیشی که از ترس متحجرین و مقدس مآب‌ها و وابستگان به سرمایه داری داخلی، به اینگونه باصطلاح اندیشه‌ها رو آورده‌اند، ناخودآگاه در حد یک «واسطه» و زمینه ساز فرهنگ «بیگانه» سقوط کرده‌اند و در برخی موارد آگاهانه گوی سبقت را از دیگران هم ربوده و خود اشاعه دهنده فرهنگ سرمایه داری غرب یعنی سکس و ابتذال و لایه‌الگیری اعتقادی شده‌اند.»^{۱۰}

با انتشار دو روزنامه سلام و جهان اسلام که هر دو بیش و کم همین ارزیابی بیان را در مورد شرایط سیاسی جدیدی که بر جامعه حکمفرماست دارند، گشایش فضای مطبوعاتی، وجود خط مشی و دید دیگری در جامعه آشکار می‌شود. سلام اولین شماره خود را (در شکل پیش شماره) در تاریخ ۸ اسفند ۶۹ به مدیریت و سردبیری سید محمد موسوی خرنوبی منتشر می‌کند و جهان اسلام، به صورت روزنامه عصر با صاحب امتیازی سید هادی خامنه‌ای برای اولین بار در ۱۷ خرداد ۱۳۷۰ منتشر می‌شود. این هر دو روزنامه که از بسیاری جهات مواضعی شبیه به بیان دارند، در یک زمینه با آن نشریه موافق نیستند. سلام و جهان اسلام بر خلاف بیان، گشایش فضای مطبوعاتی را اهرم مثبتی برای پیشبرد برنامه اقتصادی و سیاسی چنانچه که اینها «انقلابی» یا پیرو «خط امام» می‌نامند، می‌دانند. سلام به دفعات در شماره‌های اول خود به لزوم رساندن اطلاعات مکفی به جامعه برای آنکه «مردم خود بتوانند انتخاب کنند»^{۱۱}، تأکید می‌کند. دفاع سلام از گشایش فضای مطبوعاتی، این روزنامه را همسو با سه ماهنامه جدید الناس دیگری قرار می‌دهد که در این دوران به جمع جراید ایران پیوستند.

نگاه نو به صاحب امتیازی و مدیریت محمد تقی بانکی، قائم مقام وقت وزیر معادن و فلزات اولین شماره خود را در اول مهرماه ۱۳۷۰ منتشر کرد. آینه اقتصاد به صاحب امتیازی و مدیریت محمد محسن سازگارا و آینه الهیسه به صاحب امتیازی و مدیریت جلیل رضایی (هرچند که اکثر قریب به اتفاق مقالات مهم سیاسی این مجله به امضای محمد محسن سازگارا است) در اواخر پائیز ۶۹ منتشر شدند. هم نگاه نو، هم این «دو» مجله در لزوم دفاع از گشایش جدید فضای مطبوعاتی با سلام همسو شدند. نگاه نو در سرمقاله اولین شماره‌اش به امضای سردبیر و شورای نویسندگان می‌نویسد: «البته نباید از

نظر دور داشت که در این گام‌های نخست و لرزان به سوی آزادی مطبوعات بسا مخاطرات هم پیش خواهد آمد که اجتناب ناپذیر و بهای همین آزادی است که باید پرداخت شود. چه بسا افراد که از سر سودجویی یا بی تجربگی به راه افراط خواهند رفت. بازار اتهام گرم خواهد شد و گاه کار انتقاد به ستیزه جویی و فحاشی خواهد رسید (چنانکه برخی از علائم آن از هم اکنون هویداست). بسیاری نیز همین‌ها را مستند قرار خواهند داد تا این آزادی را زیانبار و خلاف مصالح کشور جلوه دهند. اما امید ما این است که هیچ یک از این افراط‌ها و تفریط‌ها کسانی را که این راه را برگزیده و در پیش گرفته‌اند از ادامه راه منصرف نکند و صبر و شکیب از کف ندهند تا روزی که آزادی در سایه قانون حاصل آید و کشور ما با برخورداری از این نعمت هر چه بیشتر بتواند با استفاده از تمامی امکانات ارتش فکری و فرهنگی خود

گام‌های محکمی در راه توسعه و عدالت اجتماعی بردارد.^{۱۲} در آئینه اندیشه محمد محسن سازگارا نه فقط از گشایش فضای مطبوعاتی دفاع می‌کند بلکه به روشنی لزوم تعمیم این سیاست را به سایر جوانب زندگی اجتماعی و سیاسی پیش می‌کشد؛ همزمان با این اصلاح حساس برای استقرار امنیت می‌باید به اصلاح فضای سیاسی کشور پرداخت. کافی نیست که تنها به اصلاح قانون و روند اجرای آن بیندیشیم. می‌باید آزادی‌های اجتماعی در چارچوب احزاب و گروه‌های قانونی و مطبوعات آزاد تأمین شود. این درست است که برخی گروه‌های سیاسی حد و حدود فعالیت سالم را رعایت نکرده‌اند و با تفکر براندازی نظام و جنگ مسلحانه فضای کشور را آشفته کردند، و این نیز درست است که چنین گروه‌هایی همچون علف‌های هرز یک باغ باید با جدیت تمام ریشه کن شوند، اما به این بهانه نباید راه فعالیت سالم و قانونی گرایش‌های مختلف سیاسی را سد کرد. این کافی نیست که فی‌المثل سخنگوی یکی از گروه‌های مذهبی کشور بنا بر استنباط خود یا گروه وابسته بگوید تشکیل احزاب سیاسی خلاف شرع است و بنابراین استنباط، صدور اجازه تشکیل احزاب کو محاق تعطیل افتد. باید بر اساس همین قانون احزاب موجود (که البته جای اصلاح بسیار دارد) هر چه زودتر به فعالیت باندهای قدرت طلب، که به صورت محافل مخفی بر سر قدرت نزاع می‌کنند، سر و سامان داد، و اجازه داد تا در چارچوب مرامنامه و اساسنامه مشخص نظر جناح‌های مختلف کشور در معرض قضاوت عمومی قرار گیرد و از این رهگنر ضمن فراهم کردن زمینه رشد سیاسی مردم، کوشش کرد تا فضایی

منزه و سالم و به دور از رقابت‌های مخرب علیه کل نظام و خود این گروه‌ها در جامعه شکل بگیرد، و با حمایت از آزادی مطبوعات باید مسیر صحیح اطلاع‌رسانی به مردم را تقویت کرد و در نهایت جلوی گرایشهای استبدادی و انحصار طلبانه را در جامعه گرفت.^{۱۳} نکته جالب توجه اینکه نه نگاه نو و نه آئینه اندیشه ارتباطی بین لزوم تحکیم و تعمیم آزادی‌ها و جلوگیری از «قدرت‌گیری متحجرین و

اندیشه‌ها و نظریات در جامعه امروزی ایران از مخالفت صریح با سیاست گشایش فضای مطبوعاتی تا لزوم تعمیم این گشایش به سایر زمینه‌های سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد.

وابستگی سرمایه داران داخلی، - یعنی آنگونه که بیان این ارتباط را برقرار می‌کرد - نمی‌بینند. این هر دو مجله، لزوم اتخاذ یک چنین سیاستی را در پیوند با الزامات حیاتی کشور در بسیج هر چه بیشتر نیروها در اشکال مناسب‌تر برای دوران بازسازی کشور می‌دانند. در همان سرسخنی که از نگاه نو نقل شد، سردبیر و شورای نویسندگان می‌نویسند: «به گمان ما دولت دریافته است که اگر قرار است کشور در مسیر توسعه گام بردارد و مردم (شهروندان آزاد) در این مسیر مشارکت فعال داشته باشند باید این مردم احساس کنند که حق دارند نظرشان را هر قدر هم که با نظر دولت متفاوت باشد آزادانه ابراز کنند، در باره سیاست‌های دولت نظرهای اصلاحی بدهند و پیشنهادهایشان را ارائه کنند. به گمان ما سیاستی که دولت و به طور مشخص معاونت مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پیش گرفته است در همین مسیر است»^{۱۴}. در مقاله‌ای نیز که از آینه اندیشه نقل کردیم، اصلاحات پیشنهادی نویسنده به عنوان حداقلی «برای تحقق هر برنامه‌ای و پیش از شروع اصلاح و سازندگی در کشور»^{۱۵} مطرح شده‌اند.

مجله

سیاست خارجی

کوهستان

نامه فرهنگستان عالی مطالعات فرهنگی



فصلنامه تحقیقاتی در مسائل فرهنگی و اجتماعی - علوم انسانی - شماره ۴ - تابستان ۱۳۷۱ - بها ۵۰۰ ریال

برنامه توسعه
برنامه و توسعه
البر

نگاه نو از جنبه دیگری نیز حاوی تجربه جالبی از فعالیت مطبوعاتی در دوران اخیر است. از شماره ۸ به بعد، صاحب امتیاز و مدیر مسئول این نشریه تغییر کرد. یعنی انتشار نشریه ای که ۷ شماره اولش به مدیریت و صاحب امتیازی یکی از مسئولین بلند پایه دولتی منتشر شد، انتشار آن از شماره هشتم به جامعه واگذار گشت، بدون آنکه تغییری در خط مشی و شیوه برخوردش با مسائل داده شود. به این معنا جامعه از طریق تداوم انتشار یک نشریه جدی توان خود را در پیگیری برنامه ای که از جانب یکی از دولتمردان آغاز شده بود، نشان داد. همین توان اجتماعی را می توان در ادامه کار نویسندگان و نیز صاحبان نظران **کیهان فرهنگی** در چارچوب **کیهان** و نیمه دیگر آن یعنی زنان مشاهده کرد. **کیهان** در مقدمه ای که بر شماره اولش آورده است شرح این حرکت به سمت جامعه را به این صورت بازگو می کند: «در سال ۱۳۶۲ جمعی از یاران همدل و همزبان در ادامه همان راهی گرد آمدند که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در شکل کانون فرهنگی نهضت اسلامی شروع شد و در تابستان ۱۳۵۸ به دلیل ورود عناصر اصلی آن به عرصه کارهای اجرایی مملکتی متوقف ماند، همان راهی که در پائیز ۵۸ همت دو تن از مسئولان این نشریه را برای کاشتن نهال «حوزه اندیشه و هنر اسلامی» به یاری طلبید و همین که نهال نوپا به برگ و بار نشست «سازمان تبلیغات اسلامی» با تغییر نام آن به «حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی» متولی باغبانی آن شد و به وضعیت امروزی اش در آمد... سپس با بحث و گفتگو... بر سر چگونگی شروع کار و اینکه از چه جایگاهی باید بهره گرفت ماه ها به طول انجامید. به دنبال این بحث و گفتگوها از یک سو و علاقمندی و پافشاری شهید سید حسن شاهچراغی برای بهره گیری از امکانات مؤسسه **کیهان** از دیگر سو تصمیم بر همکاری با این مؤسسه گرفته شد... در تیرماه ۱۳۷۰ یعنی یکسال پس از توقف اسف بار انتشار «**کیهان فرهنگی**»، شورای سردبیری و هیئت تحریریه این نشریه در بیانیه ای خطاب به جامعه فرهنگی کشور، عدم امکان انتشار **کیهان فرهنگی** را به سبک و سیاق گذشته اعلام کردند... اینک ما امید و قصد آن داریم که رسالت دینی و ملی خود را در چارچوب یک کار فرهنگی مستقل دنبال کنیم»^{۱۷} همین مفهوم استقلال و ارزش آوری مثبت در کسب و امکان به کار گرفتن آن موضوع تأکید زنان است: «نیمه سال ۶۱ بود. دعوت دوستی، توسط قاصد رسید. یک نشست و ساعتی گفت و شنود و آغاز یک دایره مباحثه لبریز از شور و دغدغه و خروش در مجله زن روز. نمی گوئیم و نمی باید هم که آن نشریه در آغاز کار چه بود و در پایان کار ما، که مشک باید خود بیوید. کوتاه اینکه در طول آن دهه، تلاشمان برای شکستن سنت های جاهلی بود و افروختن شعله در دالان های تاریک رکود و جمود. سردی عافیت جویان از شوقمان نکاست و از بی دردی زمانه، درمان فرو نشست. تقدیر بر این نبود که با تهدیدها و تطمیع ها، خروش ما به تسلیم و فرومایگی میل کند و استقلال امروز، میوه شیرین آن روزهاست»^{۱۷}

همانطور که گفتیم جامعه در برابر گشایش فضای مطبوعات عکس العمل مثبتی نشان داد علاوه بر جلب و جذب بخشی از دست اندرکاران مطبوعات دولتی و نیمه دولتی، سبب انتشار تعداد قابل

ملاحظه‌ای نشریه جدید شد. از میان نشریات جدی فرهنگی که در این دوران آغاز به فعالیت کردند باید از کلک (شماره ۱ فروردین ماه ۶۹)، اورغوان، خاوران و گردون (شماره اول این هر سه نشریه در آذرماه ۶۹ منتشر شد) و جامعه سالم که حدود شش ماه پس از این سه نشریه و در تیرماه ۷۰ اولین شماره‌اش منتشر شد، یاد کنیم. با پیوستن این نشریات به دو نشریه قدیم‌تر یعنی آدینه و دنیای سخن تعداد نشریات فرهنگی و اجتماعی جدی که توسط بخش خصوصی منتشر می‌شد ناگهان ۳۰۰ الی ۴۰۰ درصد افزایش یافت. از میان این پنج نشریه خاوران آرام آرام تغییر مشی داد تا بالاخره به یک نشریه هفتگی خبری شهرستان تبدیل شد. اورغوان پس از انتشار ۶ شماره و یک ویژه نامه متأسفانه دیگر منتشر نشد. اما سه نشریه دیگر نه فقط تا به امروز به انتشار منظم خویش ادامه داده‌اند بلکه هر یک به نوعی بازگو کننده تجربه‌هایی نوین در زمینه مطبوعات پس از انقلاب هستند و هر یک گوشه‌ای از شکل‌گیری بینش‌های نو را در جامعه پس از انقلاب بازگو می‌کنند. کلک که با انتشار حدود ۵۰ شماره در فاصله چهار سال یکی از منظم‌ترین ماهنامه‌های غیر دولتی ایران در سالهای بعد از انقلاب است، در سر مقاله اولین شماره‌اش بروشنی مسئولیتی را که برای خود قائل شده است، بازگو می‌کند. سردبیر کلک متعهد می‌شود در جامعه‌ای که دوران سخت تسلط خط و خط‌بازی سیاسی را در تمامی زمینه‌های فرهنگی تجربه کرده است «با دید وسیع‌تری به زبان و ادبیات فارسی بنگرد و برای اهل قلم و نویسندگان جدید و قدیم به هر سبک و شیوه‌ای که کار کرده‌اند احترام قائل شود»^{۱۸}. کلک اولین نشریه‌ای است که حرکت فرهنگی خود را با تساهل سیاسی و از منظر «خدمت به فرهنگ ایران» آغاز می‌کند و «از همین نظر نیز تلاش می‌کند آگاهی‌های بیشتری درباره کوشش‌های فرهنگی در گذشته و آینده بدست دهد»^{۱۹}. کلک بدون شک در این راه موفق بوده است و نشریه‌ای را در دوران پس از پیروزی انقلاب سراغ نداریم که طیف سیاسی و اجتماعی نویسندگانش به حد این ماهنامه وسیع باشد. در عین حال موفقیت و تداوم کلک بیانگر این واقعیت نیز هست که دید «وسیع‌تر» مطلوب جامعه نیز افتاده است و رویکرد نویسندگان از طیف‌های فکری گوناگون به این نشریه و پذیرش همنشینی در فضای مستی‌آهلی آن را باید به معنای رشد و نمو شکلی در جامعه دانست.^{۲۰} تغییر زمینه و خواسته اجتماعی و آیه نوعی دیگر می‌تواند در تجربه گردون باز یافت. دست‌اندرکاران مطبوعات بخوبی می‌دانند که به راه انداختن دوباره یک نشریه حتی از به راه انداختن آن نیز مشکل‌تر است و چنانچه جامعه حداقل با خرید یک نشریه پشتیبانی خویش را از آن اعلام نکند، این نشریه مشکل می‌تواند بعد از یک دوره توقف انتشار دوباره خویش را از سر گیرد. گردون از یک چنین تجربه‌ای آن هم از سخت‌ترین انواعش موفق بیرون آمد. جامعه سالم اولین تجربه مجله‌ای اجتماعی در ایران بعد از انقلاب بود که خطر عدم انکاب به ادبیات برای جلب خوانندگان را متقبل شد. ادبیات، اعم از شعر و داستان و نقد ادبی عمومی‌ترین موضوع مورد توجه خوانندگان مجلات در ایران است. همه کتاب‌خوان‌ها و مجله‌خوان‌ها سواى موضوع مورد علاقه‌اشان به ادبیات نیز علاقمندند. بنابراین موضوع‌هایی که در ارتباط با ادبیات باشد بطور خودکار طیف وسیعی را به مخاطبین و بالطبع علاقمندان و خریداران یک نشریه اضافه می‌کند. جامعه سالم سعی کرد و موفق شد

که بدون اتکا به ادبیات مخاطبین مداومی را برای خویش در جامعه پیدا کند. ارزیابی وضعیت مطبوعات در پنج سال اخیر بدون اشاره به دستیابی برخی نشریات به تیراژهای بالا نا کامل خواهد بود. حتی اگر محبوبیت و تیراژ بالای نشریاتی همچون ماهنامه فیلم و سینما را به حساب علاقمندی به سینما بگذاریم، یعنی تیراژهای بالای آنها را نه نشانه ای از رویکرد جامعه به مطبوعات، بلکه نشانی از محبوبیت هنر هفتم بدانیم، باز هم نشریاتی همچون آدینه را داریم که بیش از پنج سال است که هر ماه با تیراژی معادل پنج برابر تیراژ متوسط کتاب در ایران به مردم عرضه می شوند و به فروش می رسند.

ارزیابی تجربه ' پنج ساله' مطبوعات

همانطور که در آغاز این مقاله به آن اشاره شد، گشایش فضای مطبوعاتی کشور که پیرو

سیاست های جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت گرفت باعث ایجاد تحرك قابل ملاحظه ای در این زمینه در جامعه و دولت گشت. آمار کمی این تحرك در آغاز نوشته ذکر شد. در کنار این رشد کمی، مطبوعات جدیدی که پس از این دوران منتشر شدند هر یک بخشی از توان جامعه و تمایلات و جهت گیری های آن را روشن ساخت. توجه به این نکات، یعنی ارزیابی اجتماعی و سیاسی این تجربه پنج ساله به ما امکان درك محدودیت ها و نیز چشم انداز نقش مطبوعات در سال های آتی را خواهد داد.

گشایش فضای
مطبوعاتی
پیشرفت
اجتماعی در
زمینه اندیشه
و کردار
همزیستی،
یعنی قبول و
رعایت تفاوت
عقاید را آشکار
ساخته است.

اولین و مهمترین تاثیر اجتماعی و سیاسی و فرهنگی گشایش فضای مطبوعاتی آشکار شدن بینش های مختلف اجتماعی بود؛ مطبوعات به یاری شفافیت اجتماعی آمدند و حضور گرایش های مختلف عقیدتی را در جامعه آشکار ساختند. مسئولین وقت در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بر مبنای رشد ۵۲ درصدی ماهنامه های منتشر شده در زمینه های فرهنگی و هنری از سال ۶۸ تا پایان سال ۶۹ نوشتند: «ماهنامه ها متنوع ترین گروه نشریات از حیث موضوع و گرایش های متفاوت سیاسی، اجتماعی و فکری به شمار رفته و در حال حاضر تقریباً حضور جناح ها و گروه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور در عرصه مطبوعات کشور را نشان می دهد»^{۲۱}. در عین حال حضور این جناح ها در عرصه مطبوعات بیش از هر چیز

نشان دهنده وسعت حیطه دیدگاههایی است که امروز در جامعه ما موجودند. اندیشه ها و نظریات در جامعه امروزی ایران از مخالفت صریح با سیاست گشایش فضای مطبوعاتی (بیان) تا لزوم تعمیم این گشایش به سایر زمینه های سیاسی و اجتماعی (نگاه نو، آینه اندیشه و...) را در بر می گیرد. همین تفاوت در زمینه لزوم اتخاذ سیاست های جدید در ارتباط با نیازهای دوران بازسازی یا ادامه سیاست های دوران انقلاب و جنگ به چشم می خورد. می توان از بحث هایی که پیرامون مسائل اقتصادی (خصوصی سازی و تاکید بر صنعت یا کشاورزی) در نشریه های تخصصی یا نیمه تخصصی

در میان بود، نیز صحبت کرد. گشایش فضای مطبوعاتی نشان داد که جامعه ما درست مانند همه جوامع صنعتی و شهرنشین - در هر مرحله ای از تکامل این دو پدیده که باشند- در درون خود اندیشه ها و نظریات گوناگونی را پرورانده است؛ نظریات و اندیشه هایی که نه فقط در زمینه های فنی و به صورت تخصصی و کاردانی شکل می گیرند، بلکه به صورت سیاست های روشن و بر سر استفاده یا عدم استفاده از اهرم های جامعه مدنی برای پیشبرد برنامه های اقتصادی حیاتی کشور نمایان می شوند.

تمایل صاحبان نظر و طرفداران بیش های مختلف به ابراز هر چه آزادانه تر نظریات خویش دومین واقعیت مهم اجتماعی است که بر زمینه گشایش فضای مطبوعاتی اخیر در کشور آشکار شد. به عبارت دیگر ما امروز در شرایط متفاوتی از نظر اصرار بر حفظ مواضع و نظریات و ابراز آن نسبت به سال های اول پیروزی انقلاب قرار داریم. شرایط انقلابی که سریعاً جای خود را به شرایط جنگی سپرد و ناتوانی جنبش های سیاسی شهروندی در سال های آغازین پس از پیروزی انقلاب هر چند به وحدت ملی یاری رسانید، اما لطمات غیر قابل انکاری به بهره بری جامعه از آزادی عقیده و بیان وارد کرد. امروز ما شاهد جناح های فکری و سیاسی متفاوتی در جامعه هستیم که با اصرار از آزادی خویش در اعلام هویتشان دفاع می کنند.

سومین نکته اجتماعی - سیاسی را که گشایش مطبوعاتی عیان ساخت، پیوند اجتماعی نظریات گوناگون با واقعیات اجتماعی است. تداوم رشد شهرنشینی و پانزده سال تجویف سیاسی مدارم باعث شده اند که گروه های شهروندان در پیوند نظریات خود با واقعیات و خواست های اجتماعی توان بیشتری نشان دهند و بتوانند به پشتیبانی این پیوند اجتماعی چیرایی ماندگار را منتشر سازند.

پیشرفت اجتماعی در زمینه اندیشه و کردار همزیستی، یعنی قبول و رعایت تفاوت عقاید، چهارمین خصلت نوری است که تجربه پنج ساله گشایش فضای مطبوعات آشکار ساخته است. بازتاب این وجه از رشد اجتماعی را می توان به دو صورت از طریق نشریاتی که در این سالها منتشر شده اند مشاهده کرد. اول در پذیرش اقراذ با بیش های مختلف در چاپ نوشته های تخصصی خویش در کنار یکدیگر در مجلات (مثال کلک و زبان و ادبیات فارسی که در بخش پیشین آمد، طولانی ترین نمونه این تجربه جدید است). وجه دوم این قضیه را می توان در دخالت نسبتاً محدود گروه های غیر قانونی در اعمال سلیقه خویش به مطبوعات از طرق قهرآمیز مشاهده کرد. در پنج سال گذشته، «فقط سه مورد» از این نوع اعمال سلیقه را شاهد بوده ایم که هیچ یک نیز خوشبختانه منجر به توقف انتشار نشریه ها نشد. روشن است که همین تعداد نیز نباید اتفاق بیفتد. در عین حال برای جامعه ای که هنوز نتوانسته است در بسیاری از زمینه ها جز راه حل های انقلابی و جنگی راهی برای حل معضلات خویش بیابد، محدودیت نسبی این موارد از بلوغ جامعه مطبوعات و فضای مطبوعاتی کشور خبر می دهد، بلوغی که بدون شک یکی دیگر از نشانه های بارز آن رعایت حدود قانونی در فعالیت مطبوعاتی از جانب بیش از سیصد نشریه ای است که بخش خصوصی امروز در کشور منتشر می کند. رعایت حدود قانونی که به گفته

مستولین و به شهادت اکثر قریب به اتفاق دست اندر کاران مطبوعات کاستی های بسیاری دارد و امید آن می رود که در جهت رفع کاستی ها و وضع آزادی های متناسب با توان جامعه بازمینی شود.

نکته دیگری را که باید به مطالب بالا اضافه کرد تا طومار ارزیابی های جامعه شناختی و سیاسی که با گشایش فضای مطبوعاتی آشکار شد کامل گردد، ارتباطی است که مطبوعات بین تغییرات و تحولات داخل کشور با آنچه در سطح جهان رخ می دهد، برقرار می کنند. کمتر نشریه ای جدی را می توان نام برد که بخشی از مقالات خود را در ارتباط با جهان و تحولات آن نداند. طبیعی بود که جامعه در سال های اول پیروزی انقلاب تمامی توجهش را به اجرای برنامه هایی که برای آن انقلاب کرده بود، معطوف دارد. جهان اگر هم مطرح بود، می بایست از ما درس می گرفت. سال های جنگ نیز بر توجه به مسائل داخلی مهر تأکید زد. با آغاز دوران بازسازی، جامعه ما بیش از پیش به شناخت تجربیات سایر کشورهای نیازمند شده است. خانواده مطبوعات ایران، اعم از دولتی و غیر دولتی در این سال ها نشان داده است که بیش از هر نهاد دیگری به جهانی بودن مسائل ما توجه نشان داده است و در این زمینه با جدیت بیشتری فعالیت می کند.

محدودیت های اجتماعی و چشم انداز فعالیت مطبوعات

گشایش فضای مطبوعاتی که می توان آغاز آن را مصادف با آغاز فعالیت معاونت امور مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، یعنی نیمه دوم سال ۱۳۶۸، دانست با نگرانی های بسیاری از جانب طراحان این سیاست همراه بود. مسئولان و طراحان این سیاست مطبوعاتی در حالی که به لزوم تغییر رویه در برخورد با مطبوعات و فضای مطبوعاتی کشور آگاه بودند، بارها بر محدودیت این آزادی ها پافشاری کردند. در چندین و چند مورد این مسئولان یادآور شدند که به هر حال و به هیچ وجهی اعطای این آزادی ها نمی تواند و نباید منجر به تخریب بنیادهای فکری، دینی و امنیتی نظام باشد^{۲۲} و نیز اینکه «هیچ جامعه ای و هیچ نظامی متوسطی به میلانی خود را نمی پذیرد و ... همه جوامع تا آنجا تحمل می کنند که پایه های آن به خطر نیفتد...»^{۲۳}. همین نگرانی در سر مقاله نگاه نو که شماره های اول آن را می توان ملهم از بینش نزدیکان به دولت به حساب آورد دیده می شود: «البته نباید از نظر دور داشت که در این گام های نخست و

لرزان به سوی آزادی مطبوعات بسا مخاطرات هم پیش خواهد آمد که اجتناب ناپذیر است و بهای همین آزادی است که باید پرداخت شود. چه بسیار افراد که از سر سود جوئی یایی تجربگی به راه افراط خواهند رفت. بازار اتهام گرم خواهد شد و گاه کار انتقاد به ستیزه جویی خواهد کشید... امروز نوشته های روزنامه نگاران مانند آبی است که سال ها در پشت سدی بلند جمع شده و ناگاه چون سیل بر

اکنون اگر از
مطبوعات
خواسته شود
تا نقش یک
سازمان
سیاسی را ایفا
کنند،
نتیجه ای از
این راه عاید
جامعه نخواهد
شد و به
موجودیت
مطبوعات نیز
لطمه وارد
خواهد آمد.

بستر رودخانه ای خشک رها شده است. البته این سیل پر گل و لای خواهد بود و با خورد خس و خاشاک به همراه خواهد آورد.^{۲۴} البته نگاه نو معتقد بود که اگر سده بر این آب بسته نشود و جریان آن مداوم باشد، بی شک پس از چندی طغیان دوباره فرو خواهد نشد. آب دوباره زلال خواهد شد.^{۲۵}

اما واقعیت این تجربه پنج ساله نشان داد که آن نگرین‌ها بی دلیل بود و در هیچ نه سیلی کار بود و نه گل و لای و خس و خاشاکی. جامعه، افزایش کمی و کیفی نشریات را بخوبی پذیرفت و نیز کمتر نشریه ای را می توان سراغ گرفت که خود به جایگاه و وظیفه و محدودیت های خویش آگاه بوده باشد. بطوری که امروز بیشتر صحبت از چگونگی مقابله با خود سانسوری است و فراخوان بسیاری از دست اندرکاران در لزوم افزایش فاش گوئی و فاش نویسی. دلیل این امر را نیز اگر بخواهیم با همان زبان استعاره نگاه نو بازگو کنیم، چیزی نیست مگر اینکه آن آب بسته به کویری خشک سرازیر نشد بلکه به دشتی رسید که هر چند تشنه حقیقت و اخبار واقعی است، اما پانزده سال تجربه سیاسی مداوم را پشت سر گذاشته است. جنگ و انقلاب با حضور وسیع مردم در صحنه اجتماعی ممکن بود و این دو عامل باعث تربیت نسلی در ایران شده است که از سویی به محدوده جغرافیایی کشوری به نام ایران بیش از پیش آگاه و دلبسته است و در برابر هر چیزی که تمامیت آن را به خطر بیندازد، خواهد ایستاد، و از سوی دیگر دخالت در امور جامعه را حق و وظیفه خود می داند و در مقابل هر راه حلی که به بیرون شدن او از این صحنه بینجامد، حساسیت شدیدی نشان خواهد داد. پس روشن بود که به محض آنکه جامعه قدری آزادی بیان بیابد، این آزادی را به حکمت بحث بر سر انتخاب سیاست هایی در زمینه اجتماعی خواهد گرفت که این دو اصل را به بهترین شکلی با هم ترکیب کند.

اما اکنون که نگرانی ها رفع شده است و جامعه اولین تجربه آزادی خویش پس از پایان جنگ را با موفقیت پشت سر گذاشته است، ما به نوعی با تالی آن نگرانی یعنی امید زیاده از حد بستن به مطبوعات و نقش آنها در جامعه روبرو هستیم. نیاز جامعه به بیان نظریات متفاوتی که در درون آن رشد کرده است، و نیز این واقعیت که کشور برای طی موفقیته آمین دوران بازسازی نیاز به بسیج همه نیروهای خویش دارد. انکار ناپذیر است. گشایش فضای مطبوعاتی قلمحدی به این هر دو نیاز در زمینه فرهنگی پاسخ داده است. البته هنوز کار نشده و فضای ناگشوده بسیار است، اما تا همین حد نیز این آزادی به دست آمده از طرفی به جامعه اجازه ابراز نظر و دخالت در امور اجتماعی داده است و از طرف دیگر به حکومت فرصت بهره گیری از نظریات و توان های بسیج شده را. حال که این تجربه موفق بوده است، به عوض آنکه علق اولیه آن بی گرفته شود، یعنی این گشایش فضای مطبوعاتی به فضای اجتماعی و سیاسی و صنفی تعمیم یابد تا توان جامعه در سایر زمینه ها نیز بکار گرفته شود، سعی می شود از اهرم مطبوعات در سایر زمینه ها استفاده شود. بزرگترین رسالت مطبوعات را تعیین قانون و آگاه کردن مردم از آن و از حقوقی که بر اساس آن دارند و تلاش برای استقرار قانون^{۲۶} دانستن، گذاشتن وظیفه ای به دوش مطبوعات است که از عهده آن بر نخواهند آمد. زیرا مطبوعات نه پشتوانه اجتماعی چنین کاری را دارند

و نه امکانات جدی برای مقابله با کسانی که قانون را زیر پا می گذارند. استقرار قانون، امری سیاسی است که بر اساس خواست، اراده و عمل نهادهای سیاسی ممکن می شود؛ در وهله اول نهادهای سیاسی دولت که به پشتیبانی قوه اجرائیه این مهم را به انجام رسانند و در وهله دوم به عهده سازمان ها سیاسی جامعه، یعنی احزاب و سازمان های صنفی که با حضور گسترده خود در جامعه مردم را در جهت حفاظت از قانون بسیج کنند. همین نکته را می توان در پاسخ به مسئولینی که از مطبوعات می خواهند تا خطیر بودن مسائل یا اوقات را دریابند و در ارائه اخبار و اطلاعات جانب مصالح کلی کشور و نظام را رعایت کنند، یادآور شد. وظیفه اصلی مطبوعات خبر رسانی است و مطبوعات آبراه همگانی دستیابی به اطلاعات هستند. از این دید اهم دقت یک نشریه باید در جهت رساندن بهترین و بیشترین و دقیق ترین اطلاعات به جامعه باشد. امنیت ملی و مصالح کشور از مقولات سیاسی هستند و فهم و رعایت و دقت در آنها وظیفه سازمان های سیاسی جامعه است. این احزاب و سازمان های سیاسی هستند که در صورت برخورداری از آزادی فعالیت می توانند در حفاظت از کشور و جامعه جوانب اعتدال و همبستگی را تشویق و رعایت کنند و با درک سیاسی از اوضاع و اوقات در جهت مصالح کشور فعال باشند.

چنانچه از مطبوعات خواسته شود نقش یک سازمان سیاسی را ایفا کنند، نتیجه ای از این راه عاید جامعه نخواهد شد و به موجودیت مطبوعات نیز لطمه وارد خواهد آمد. اگر نیازهای سیاسی جامعه، که با توجه به برنامه های بازسازی و صنعتی کردن کشور بسیار نیز اساسی و جدی هستند با تاسیس نهادهایی که مشخصاً برای کار سیاسی تعیین دیده شده اند، بر طرف نشود، این خطر وجود دارد که ارباب جراید به ایفای چنین نقشی در جامعه بپردازند و گمان کنند که آنان نیز می توانند در نقش سازمان های سیاسی فعالیت کنند و یا بدتر از آن، گمان کنند امروز نیز در حال ایفای چنین نقشی هستند. مدیر مسئول روزنامه سلام در مصاحبه ای پراهمون وضعیت مطبوعات می گوید: «متأسفانه این برداشت هنوز نزد بسیاری از مسئولان جامعه بوجود نیامده که مطبوعات تجلی گاه و تقاطعی افکار جامعه است. و عدم پاسخ و بی اعتنائی به آنها، در حقیقت بی اعتنائی به افکار و آزادی جامعه است»^{۲۷}. حال آنکه در هیچ کجای دنیا، دولت ها خود را موظف به پاسخگویی به یک نشریه یا یک روزنامه نمی دانند. حتی زمانی که روزنامه ای با قدمت چندین دهساله به یک نهاد اجتماعی تبدیل شده باشد، و صحیح هم همین است. آنچه در یک نشریه منعکس می شود زمانی مورد اعتنای مسئولین قرار می گیرد که از طرف نهادی سیاسی مطرح شود، خواه آن نهاد سیاسی مستقیماً دولت را مخاطب قرار داده، از او انتظار پاسخگویی را داشته باشد (مانند مجلس) خواه غیر مستقیم و به میانجی بسیج افکار عمومی دولت را و ادار به عکس العمل نماید. درج یک مقاله یا پیام تلفنی یک خواننده در یک نشریه با تیراژ صد یا دویست هزار نسخه به چه علت و با اتکال بر کدام نیرو می باید یا می تواند مورد اعتنای مسئولان قرار گیرد؟ درست است که مطبوعات تجلی گاه افکار جامعه است، اما به چه میزان؟ حتی اگر فرض کنیم که تمامی آنچه در یک نشریه نوشته می شود منتج از یک برنامه سیاسی روشن باشد، باز هم نمی توان

خریداران آن نشریه را رأی دهندگان به آن خط و برنامه به حساب آورد و در نتیجه مدعی شد که این نشریه بازگوکننده افکار بخش مهمی از جامعه است، تا بر مبنای آن بی‌اعتنایی مسئولان به مندرجات یک روزنامه را مورد انتقاد قرار داد. به این معنا در نبود سازمان‌ها و احزاب سیاسی و صنفی، فعالیت مطبوعات در یک جامعه از دو صورت خارج نیست یا مطبوعات حرف خردشان را خواهند زد و مسئولان نیز کار خردشان را خواهند کرد که در این صورت محتوای مطبوعات فقط به سبب درج در تاریخ اندیشه‌ها اهمیت پیدا می‌کند، یا اینکه مطبوعات و نیز مسئولان به نوشته‌های سیاسی تشکیلاتی می‌دهند و هر دو به گمراهی کشیده می‌شوند. یعنی مطبوعات بدون آنکه امکانات مکنی داشته باشند به جای سازمان‌های سیاسی عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، مطبوعات نمی‌توانند یگانه میانجی بازگویی انتظارات و تحمیل خواسته‌های اجتماعی مردم به دولت باشند. اما عکس آن نیز صادق است، یعنی مطبوعات نیز بهترین میانجی دولت و مردم نیستند. مسئولان اجرایی نمی‌توانند به وجود مطبوعات برای بسیج توان جامعه جهت جلب مشارکت و پشتیبانی از طرح‌های خود اکتفا کنند. در یک گردهمایی به مناسبت اولین سالگرد تاسیس روزنامه همشهری، غلامحسین کرباسچی، شهردار تهران و مدیر مسئول روزنامه همشهری، ضمن ابراز خرسندی از اینکه در آینده‌ای نزدیک دولت روزنامه خود را منتشر خواهد کرد، این مسئله را تأییدی بر موفقیت روزنامه همشهری در یک سال گذشته خواند.^{۲۸} ارزیابی موفقیت همشهری را به فرصت دیگری واگذار می‌کنیم، اما پرسش اساسی پیرامون نقش و وظیفه‌ای است که شهردار و شهرداری از تاسیس همشهری و پیرو آن از روزنامه دولت انتظار دارند. آیا قرار بر این است که این روزنامه‌ها همشهریان و هموطنان را برای پشتیبانی از طرح‌های شهرداری و دولت بسیج کنند؟ آیا قرار است در همین زمینه‌ها کار تو جیبی و اقناعی انجام دهند؟ یا آنکه فقط همچون مجله‌ای برای مقابله با سایر مطبوعات که بیش و کم به این یا آن گروه فقار وابسته‌اند قد علم کنند و مردم اخبار و اطلاعات و تقاسیر را به عوض آنکه در این یا آن روزنامه بخوانند از دهان همشهری یا روزنامه دولت بشنوند؟ احتمالاً همه این کارکردها برای این روزنامه‌ها در نظر گرفته شده است، اما به دلایلی که در سطور بالا یادآور شدیم این کار هم به آزادی مطبوعات لطمه وارد خواهد کرد و هم اطلاعات نادرستی از امکان جلب پشتیبانی مردم از برنامه‌های شهرداری و دولت به نظر مسئولان اجرایی خواهد رساند. غلامحسین کرباسچی در همین سخنرانی از مطبوعات به عنوان رکن چهارم یک حکومت مدرن در کنار سه قوه مقننه، اجراییه و قضائیه نام می‌برد. نیک می‌دانیم که استقلال این قوا از یکدیگر شرط حیاتی عملکرد صحیح و کارآیی فزاینده آنهاست. تسلط هر یک از ارکان بر رکن دیگر و بر مطبوعات تأثیر سوء بر تمامی مجموعه خواهد داشت.

تجربه ای که
می بایست از
موفقیت
گشایش فضای
مطبوعاتی
گرفت، همانا
بلوغ جامعه و
توانایی آن در
استفاده صحیح
و بجا از آزادی
است.

موفقیت مطبوعات در جلب حمایت جامعه از سویی و نیاز مسئولین اجرایی به جلب پشتیبانی همین جامعه به عنوان پشتوانه برنامه های دوران بازسازی، باعث خواهد شد که هم مسئولین اجرایی و هم برخی از ارباب جراید به فکر استفاده از مطبوعات به منزله سازمانی سیاسی برای بسیج توانایی های جامعه در جهت اجرای برنامه های خویش بیفتند. در نبود احزاب و سازمان های سیاسی و صنفی و اجتماعی این تمایل غیر قابل پیش گیری خواهد بود. اما، این بدترین نتیجه ای است که می توان از موفقیت چند سال گذشته مطبوعات گرفت. زیرا واقعیت این است که مطبوعات توان تحمل چنین مسئولیتی را نخواهند داشت و نباید جانشین سازمان های سیاسی جامعه بشوند. تجربه ای که می بایست از این موفقیت گرفت، همانا بلوغ جامعه و توانایی آن در استفاده صحیح و بجا از آزادی است، بلوغ و توانایی ای که باید امروز در جهت تأسیس و به کارگیری سازمان ها و احزاب سیاسی و صنفی و اجتماعی به کار گرفته شود تا پاسخگوی اساسی ترین کمبود کشور در رفع نیازهای دوران بازسازی، یعنی بسیج عموم ایرانیان در چارچوب های قانونی، سازمان یافته و وسیع باشد.

کتاب ۲۵

یادداشت ها

- ۱- سخنرانی معاون مطبوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برادر امین زاده، مجموعه مقالات نخستین سمینار مسائل مطبوعات ایران، چاپ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، صفحات ۲۶ و ۲۷.
- ۲- علی اکبر قاضی زاده، «تعماری مطبوعات»، رساله، فصلنامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، زمستان ۷۱، شماره ۱۲، ص ۳۹.
- ۳- از سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین طاهری در مراسم انتخابات نماینده مدیران مسئول مطبوعات کشور در هیئت نظارت بر مطبوعات، ۱۴ آبان ۱۳۶۸.
- ۴- امین زاده، مجموعه مقالات ...، ص ۲۴.
- ۵- همان، ص ۲۵. *شهره شکاره علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
- ۶- همان، صفحات ۲۵ و ۲۶.
- ۹- «لابالایگری فرهنگی»، بیان، شماره ۲، زمستان ۱۳۶۹، ص ۲۳.
- ۱۰- «فرهنگ و سیاست، دوروی یک سنگ کدکم فرهنگ؟ و کدام اندیشه؟»، بیان، شماره ۲، تیرماه ۱۳۶۹، ص ۲۴.
- ۱۱- همان.
- ۱۲- سلام، پیش شماره ۸ و ۱۶ اردیبهشت ۱۳۷۰.
- ۱۳- «آغاز سخن» نگاه نو، شماره اول، مهر ۱۳۷۰، ص ۵.
- ۱۴- محمد محسن سازگارا، «چهار بستر سازندگی، راه های دستیابی به اقتصاد شکوفا در پی عزم ملی»، آینه اندیشه، سال اول، شماره ۳ و ۴، ص ۲۶.
- ۱۵- نگاه نو، همان جا.

- ۱۶- آینه اندیشه، همان جا، ص ۳۸.
- ۱۷- گذشته، حال، آینده، کیان، شماره اول، آبانماه ۷۰، صفحات ۲ و ۳.
- ۱۸- چشمه آگاهی اگر بچو شد...، زنجان، شماره اول، بهمن ماه ۱۳۷۰، ص ۲.
- ۱۹- علی دهباش، سرمقاله، گلنگ، شماره اول، فروردین ماه ۶۹، ص ۱.
- ۲۰- همان جا.
- ۲۱- طرفه آنکه بخشی از جامعه هنوز چندان با این همنشینی بیگانه است که دائماً در ارزیابی اش در مورد گلنگه او راه نداشتن خطی روشن، منتهم می کند و سیاست ادغامی این نشریه را به چشم «از هر چمن گلی» می بیند.
- ۲۲- امین زاده، «مجموعه مقالات نخستین...»، ص ۲۸.
- ۲۳- حجت الاسلام و المسلمین خاتمی، «سخنرانی در مراسم افتتاحیه نخستین سمینار مسائل مطبوعات ایران»، مجموعه مقالات نخستین سمینار مسائل مطبوعات ایران، ص ۲۰.
- ۲۴- یادداشت ۳.
- ۲۵- «آغاز سخن»، نگاه نو، شماره اول، مهرماه ۱۳۷۰، ص ۵.
- ۲۶- دکتر محمد خاتمی، «مطبوعات و بلوغ سیاسی»، اسلام، ویژه نامه نخستین جشنواره مطبوعات، ص ۸.
- ۲۷- کاغذ اخبار، نشریه نخستین جشنواره مطبوعات، شماره ۳، پانزدهم اردیبهشت ۷۳، ص ۳، مصاحبه با حجت الاسلام سیدمحمد موسوی خوئینی ها.
- ۲۸- همشهری، شنبه ۱۱ دی ماه ۷۲.

